

## سندی از دوره صفویه

علیرضا کریمی

مشخصات ظاهری سند

این سند که مربوط به دوره شاه سلیمان صفوی است در ذی القعدة الحرام سال ۱۰۹۷ صادر گردیده است. موضوع این سند، انتصاب فردی به اسم میرزا هدایت جابری به مقام وزارت بیگلربیگی شیروان است که با خط نستعلیق بسیار خوش و مذهب نگاشته شده است.

بالای سند دارای مهر بزرگ شاه سلیمان صفوی است. این سند اکنون در سازمان اسناد ملی ایران با کد تنظیم ۱۳۰۰۱ نگهداری می شود.

فواید این سند

گذشته از استفاده ادبی که از سند مزبور می توان نمود، به لحاظ تاریخی و سیاسی نیز فواید بسیار بر آن مترتب است. این سند گویای تمرکز قوای اداری است که در دوره وزارت عظمای شیخ علیخان زنگنه (۱۰۸۰-۱۱۰۰) وزیر معروف شاه سلیمان صفوی به وجود آمده بود. این وزیر با ایمان و کاردان برای نظارت و کنترل بیش تر بر ولایات ایران که به طریق نظام ممالک (در مقابل خاصه) اداره می شدند، قدرت حکام و بیگلربیگیان را محدود و مقید نموده بود. یکی از سیاست های او برای این منظور، انتصاب مقامات مهم در ایالت های از نوع ممالک از سوی مرکز بوده است. شیخ علیخان به این وسیله ضمن آن که یک حاکم یا بیگلربیگی را که در تیول یا منطقه تحت اداره اش کنترل می نمود، با تقسیم وظایف و مشخص نمودن چهارچوب وظایف وزیر و حاکم و تمیز و روشن نمودن آن از یکدیگر به اداره هر چه بهتر امور آن ایالت و اجرای عدالت و کمک به رشد و توسعه اقتصادی و... در میان مردم ساکن آن کمک می رساند.

متن سند

فرمان همایون، شرف نفاذ یافت آن که بنا بر عنایت بی غایت شاهانه و شفقت بی نهایت پادشاهانه، درباره شرافت و وزارت و معالی ۱ پناه نجانب ۲ و عزت و عوالی دستگاه ۳ نظاما للشرافه والوزاره والتجابه والمعالی، میرزا هدایت الله جابری، از ابتدای بارس ثیل وزارت و رتق و فتق مهمات سرکار عالی جاه بیگلربیگی الکاء ۴ شیروان را به مشارالیه شفقت و مرحمت فرموده ارزانی داشتیم که به واجبی ۵ به امر مزبور و لوازم آن قیام و اقدام نموده، در معموری و آبادانی الکاء و ترفیه ۶ حال رعایا و برابری ۷ و انتظام امور ایل و قشون، دقیقه (ای) فوت و فرو گذاشت نکرده چنان نماید که کمال سویت ۸ و راستی در میان رعایا و برای مرعی و مسکوک بوده، از احدی حیف و میل و زیادتیی به عجزه و زبردستان واقع نشود و عالی جاه بیگلربیگی و امرای کرام تالین ۹ او و سادات عظام و کلاتران و ملکان جزو و ارباب ۱۰ و اهالی و کدخدایان و عموم رعایا و متوطنین ۱۱ و جمهور ۱۲ سکنه محال تیول عالی جاه مشارالیه شرافت و وزارت پناه مومی الیه را وزیر به استقلال آن سرکار دانسته، موقوف شعور ۱۳ او داد و ستد مداخل و مخارج و سایر امور ننموده، دست تکفل ۱۴ او را در امور وزارت آن سرکار قوی و مطلق دانند و سخن و صلاح حسابی او که در باب ضبط و ربط معاملات و تکتیر زراعات و آراستگی قشون و آبادی ملک و ترفیه حال رعایا گوید تجاوز نکنند و رسوم امر مزبور را که در جزو مقرر و معمول بوده و مهم سازی ۱۵ وزرا نموده اند و قبل از این به سبب عدم تعیین وزیر مقرر شده بود که هر ساله انفاذ ۱۶ درگاه معالی نمایند سال به سال به مشارالیه واصل سازند که هر ساله مبلغ دویست تومان را از آن جمله به جهت دیوان ضبط نماید و شرافت و وزارت پناه مشارالیه به موجبی که در باب وزرای امرای عظام مقرر فرموده ایم هر سه سال نسخه منقحه ۱۷ بر اسامی و مواجب قشون و جمعی که در هر سال اخراج و متوفی و عوض جماعت مزبوره در چه تاریخ که ملازم شده باشند در ست، و عالی جاه بیگلربیگی مهر نموده، به درگاه جهان پناه فرستد که بعد از ملاحظه در دفاتر خلود ۱۸ ثبت و ضبط مسئول شود و مبلغ دویست تومان مزبور را در سرکار ضابطه ابوالجمع وزیر مشارالیه و سال به سال به اسم او حواله نمایند و تنمه را مخصوص مومی الیه دانند و درین باب قدغن دانسته هر ساله حکم مجدد طلب ندارند و چون پروانچه به توفیق ۱۹ و قیوع رفیع منبع اشرف، مزین و محلی گردد اعتماد و اعتبار نمایند و در عهده شناسند.

تحریر فی شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۰۹۷

۲. نجائب: نجیبه، نجیب.
۳. عوالی دستگاہ: عالی جاہ.
۴. الکاء: منطقه، ناحیہ.
۵. بہ واجبی: چنان کہ باید، کاملاً.
۶. ترفیہ: در رفاه داشتن، آسایش دادن.
۷. برایا: خلاق، آفریدگان.
۸. سویت: برابر، عدالت.
۹. تابین: پروان، سربازان.
۱۰. ارباب: ملاکین.
۱۱. متوطنین: ساکنان.
۱۲. جمہور: ہمہ.
۱۳. شعور: ادراک و آگاہی.
۱۴. تکفل: متعهد شدن، کفالت کردن.
۱۵. مهم سازی: کارسازی.
۱۶. انقاد: فرستادن.
۱۷. منقحہ: تہذیب شدہ.
۱۸. خلود: ہمیشگی، جاوید.
۱۹. توقع: امضا.